

# حضور نظامی روسیه در منطقه خزر

مایکل اورما<sup>۱</sup>

در این مقاله قصد بر آن است که توازن نظامی در منطقه خزر با تحقیق و بررسی یک عضو این موازنه که همان حضور نظامی روسیه در منطقه است، روشن گردد. در اینجا علاوه بر شرح گسترش نظامی روسیه نشان داده می‌شود که این گستردگی پس از فروپاشی شوروی چگونه روی داده است. همچنین اهداف استراتژیک و توانایی‌های نیروهای کنونی روسیه نیز مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

حضور نظامی روسیه در منطقه مسئله جدیدی نیست. پس از جنگهای طولانی و فاتحانه در قفقاز و آسیای مرکزی در نیمه اول قرن نوزدهم، استقرار دائمی روسیه در حوزه‌های نظامی قفقاز و ترکستان حفظ شد. در این حوزه‌ها روابط پایدار سازمانی و حتی اشغال سرزمینی نیز تا به امروز جریان دارد.<sup>(۱)</sup>

ارتش نوین روسیه علاقه‌مندی بسیاری در خصوص تاریخ نظامی خود (دوران تزاری، اوایل حاکمیت شوروی، جنگ بزرگ میهنی و غیره) در منطقه خزر دارد. در مورد این تاریخ می‌توان سه اشاره مختصر کرد: الف) علاقه دوباره‌ای به این تاریخ ابراز شده است بویژه در آنجا که مربوط به مبارزات قفقاز در سال گذشته می‌باشد. ارتش روسیه شاید از مطالعه این تاریخ قبل از آنکه جنگ جدید دیگری در منطقه آغاز شود سود ببرد.

ب) جمهوری‌های دیگر شوروی سابق لزوماً در نگرش روسیه به تاریخ نظامی منطقه سهیم نیستند. در تاشکند در سال ۱۹۹۲ و پس از تشکیل نیروهای مسلح ازبک، نویسنده از ساختمان وزارت دفاع (که تا ماه قبل مرکز فرماندهی حوزه نظامی ترکستان بود) دیدن کرد و مشاهده کرد که طرح روی دیوار به نام طوفان تاشکند ارتش سرخ پوشانده شده است. این بوضوح نقطه مثبتی در تاریخ تصرف ازبکستان نبوده است. زیرا جمهوری‌های شوروی سابق سنتها و

۱. مایکل اورما، Micheal Orrma محقق مرکز مطالعات ستیزش (لندن) این مقاله را در کنفرانس منطقه خزر: تشکلهای سیاسی... ارائه نموده و توسط خانم بدرالزمان شهبازی از متن انگلیسی ترجمه شده است.

ویژگی‌های خاص خود را توسعه می‌دهند و ضرورت دارد چنانچه ارتش روسیه بخواهد با نیروهای بومی با موفقیت همکاری کند در مورد این مسائل کاملاً حساس و هوشیار باشد.

ج) از نقطه نظر روسیه، تاریخ نظامی اخیر منطقه چندان باشکوه نیست. حوادثی نظیر آشوبهای تفلیس و باکو در ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ موجب شد که ارتش احساس کند دولت به او خیانت کرده است. بسیاری از نظامیان روسیه خاطرات تلخی از عقب‌نشینی قفقاز دارند، مثل حوادثی نظیر عقب‌نشینی هنگ پیاده موتوری ۳۶۶ از استپاناکرت<sup>۱</sup> و مشکلات لشکر صد و چهار هوآبرد در پیدا کردن یک شهر روسی که پس از عقب‌نشینی از آذربایجان بتوانند در آن شهر مستقر شوند.

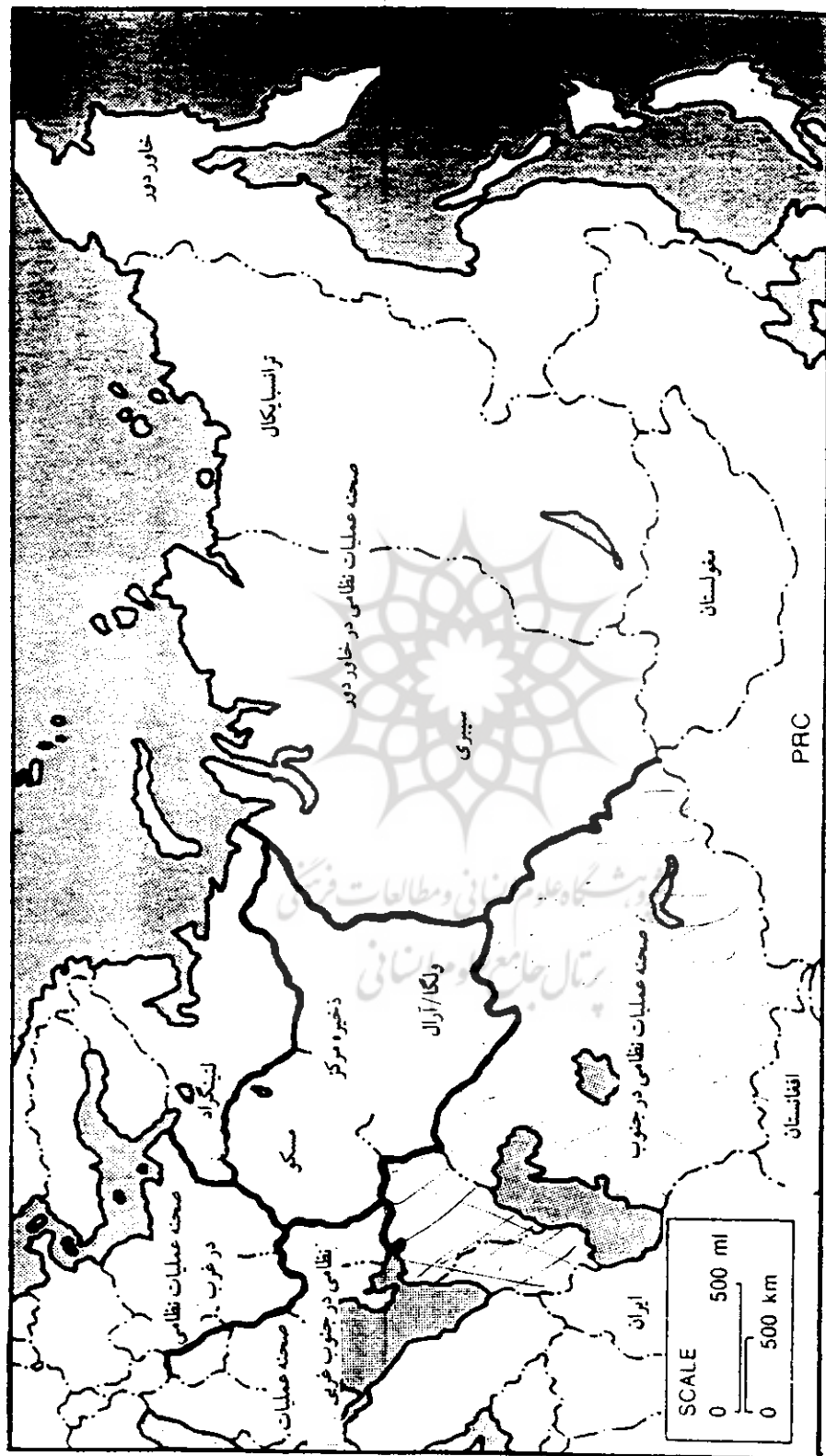
### توسعه نیروهای کنونی

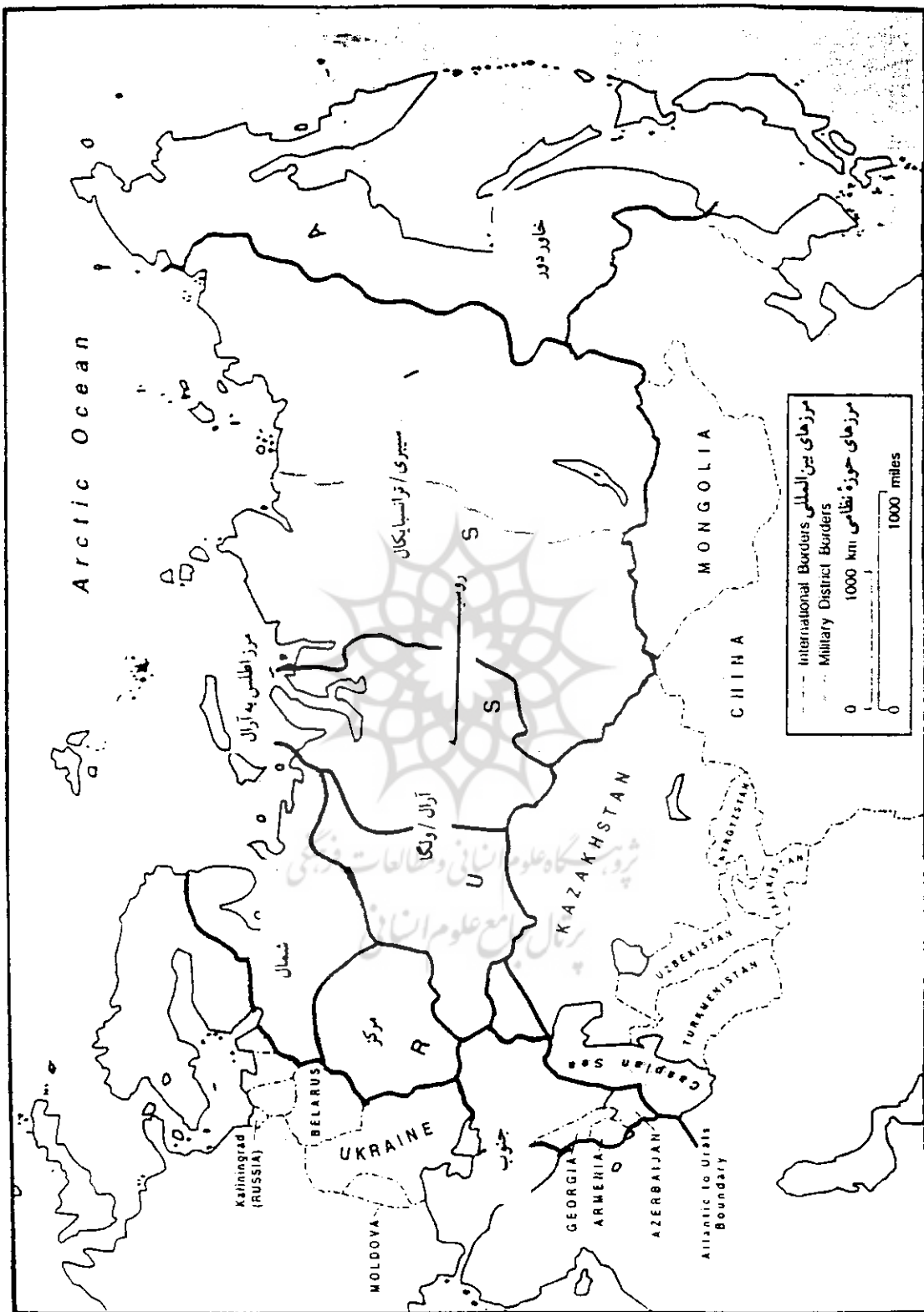
نقشه‌های ۱ تا ۶ تغییراتی را نشان می‌دهد که با فروپاشی اتحاد شوروی پدید آمد. نقشه ۱ و ۲ متمرکز بر سطح عملیات فرماندهی است. در ۱۹۹۰ (نقشه ۱) تنها یک مرکز فرماندهی عملیاتی برای کل منطقه وجود داشت. این صحنه جنوبی عملیات نظامی بود که شمال قفقاز، قفقاز جنوبی و حوزه‌های نظامی ترکستان ناوگان کوچک خزر و پایگاههای نیروی هوایی را در منطقه کنترل می‌کرد. همچنین برنامه‌هایی را علیه ترکیه و ایران برنامه‌ریزی کرده و مسئولیت مرز افغانستان و قسمتی از مرز چین را به عهده داشت. اینها به‌رغم آنکه وظایف قابل ملاحظه‌ای بود اما به‌طور مقایسه‌ای، برای پیگیری اهداف استراتژیک در دریای خزر و وظایف ساده‌ای به‌نظر می‌رسید.

نقشه شماره ۲ وضعیت امروز را نشان می‌دهد، یا ممکن است زمانی را نشان دهد که فرماندهی منطقه‌ای که ژنرال گراچوف آن را شرح داد، شکل واقعی به خود بگیرد.<sup>(۲)</sup> دیگر یک فرماندهی واحد برای منطقه خزر وجود ندارد. فرماندهی جدید منطقه جنوب، گذرگاه میان دریای سیاه و خزر را پوشش می‌دهد اما در شرق خزر تصویر چندان واضح نیست. آشکار نیست که آیا شرق آسیای مرکزی نیز مسئولیتی برای فرماندهی منطقه‌ای آرال - ولگا دارد و یا به‌عنوان مسئولیت فرماندهی کل در مسکو حفظ می‌شود؟ چنین تقسیم مسئولیتی احتمالاً از کیفیت برنامه‌ریزی استراتژیک برای منطقه می‌کاهد. یادآوری این نکته نیز ضروری است که در حال حاضر روسیه باید عملیات نظامی خود را در بستر مجموعه‌ای از نیروهای چندملیتی طراحی کند.

ضمیمه ۱: صحنه‌های عملیات نظامی شوروی ۱۹۹۰

ANNEX A. SOVIET THEATRES OF MILITARY OPERATIONS 1990





## استقرار نیروهای زمینی

نقشه‌های ۳ تا ۶ نمایانگر تصویر استقرار نیروهای زمینی در فاصله سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۶ برای حفاظت گذرگاه دریای سیاه - خزر می‌باشد. در ۱۹۹۰ سنگینی استقرار شوروی در حوزه نظامی قفقاز بود و حوزه نظامی شمال قفقاز، منطقه دورافتاده استراتژیکی را تشکیل می‌داد. سه لشکر پیاده‌موتورریزه تحت فرماندهی یک ارتش یا مرکز فرماندهی گروه‌های ارتش در هر یک از جمهوری‌های حوزه قفقاز وجود داشت. لشکر هوایرد تابع مسکو نیز در منطقه مستقر شده بود. حوزه نظامی شمال قفقاز نیز به همین ترتیب دارای سه مرکز فرماندهی بود اما بر مجموع دو لشکر کنترل داشتند که این نشان‌دهنده اهمیت کمتر این منطقه بود.

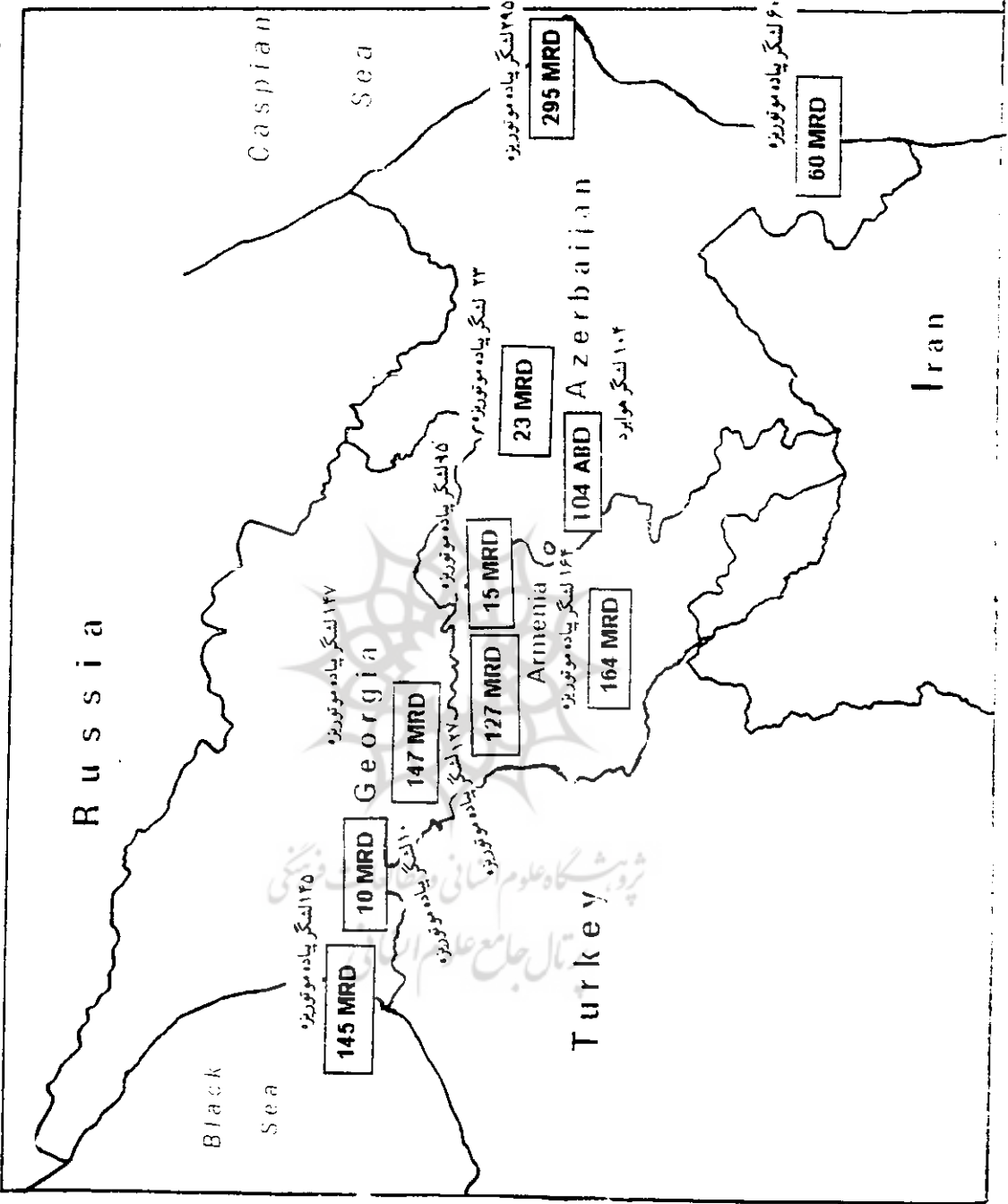
باید خاطر نشان کرد که علائم روی نقشه ممکن است گمراه‌کننده باشد. هیچ‌یک از این لشکرها، آنگونه که هم‌تایان آنها در اروپای شرقی در این زمان تجهیز و اداره می‌شدند، مجهز و تحت کنترل نبودند. تمامی لشکرها حداقل دارای یک هنگ در کادر خود بودند و بخش‌های حوزه نظامی شمال قفقاز سازمان کادر کاملی داشتند. بنابراین همه تشکیلات در منطقه مستلزم بسیج ذخیره‌ها به گونه‌ای بودند تا آنها را از نظر جنگی کاملاً کارآ سازند.

امروزه توازن قوا به سود حوزه نظامی شمال قفقاز تغییر یافته است. حوزه نظامی منطقه قفقاز به گروه نیروهای روسیه در قفقاز (نقشه شماره ۵) تغییر یافته است. این شامل حجمی از سه لشکر پیاده‌موتورریزه است که تحت فرماندهی چهار پایگاه نظامی سازمان یافته است. اما موافقتنامه‌های مربوط به استقرار نیرو در ارمنستان و گرجستان به امضا رسیده است. اما آذربایجان تاکنون در مقابل فشار روسیه برای حضور پایگاه‌های نظامی روسیه در خاک خود مقاومت کرده است. به علاوه نظامیان روسیه بخشی از نیروهای مشترک حافظ صلح در آبخازیا و اوستیا را تشکیل می‌دهند.

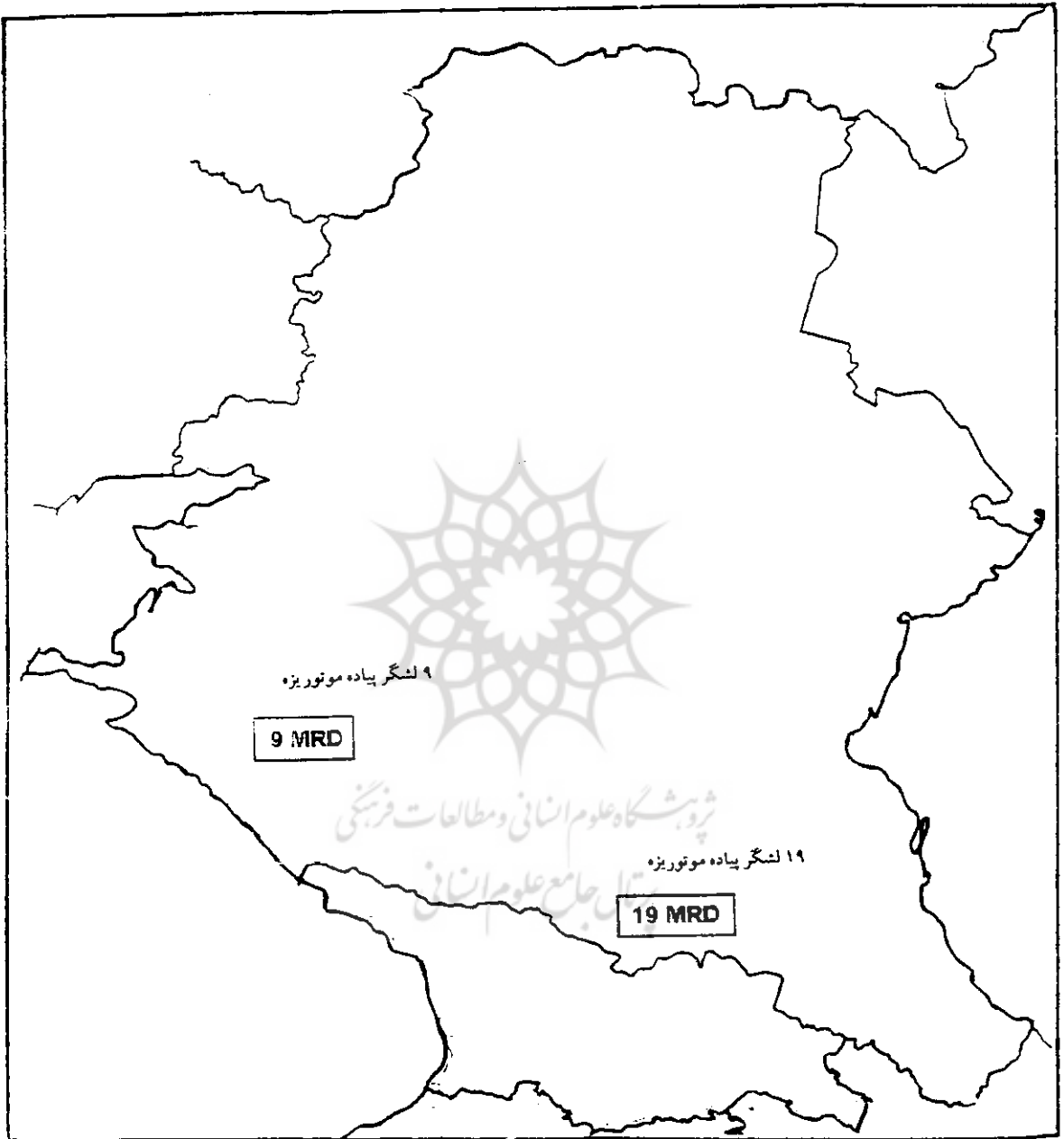
به گفته ژنرال گراچوف یک مبارزه عملی جدید به‌طور مؤثر در حوزه نظامی شمال قفقاز ایجاد شده است که این به عنوان بخشی از روند اصلاح خلاءهای تاکتیکی و استراتژیکی است.<sup>(۳)</sup> کسی در طرز فکر کارآیی حوزه‌ای با وی هم‌عقیده نیست اما کاملاً صحیح است که ماهیت آن اساساً تغییر کرده است. برنامه‌ریزی استراتژیک برای ساختار حوزه‌ای، با جنگ چچن از شکل طبیعی خارج شده است. ارتش پنجاه‌هشتم برای فرماندهی نیروهای زمینی در آن جنگ و تیپ دوست‌وپنجاه پیاده‌موتورریزه برای هنگ دائمی در چچن تشکیل شده است. به علاوه نیروهای حوزه‌های نظامی دیگر به‌طور چرخشی به مدت ۶ ماه در چچن مستقر می‌شوند.

ANNEX C. THE TRANSCAUCASUS MILITARY DISTRICT IN 1990

ضمیمه ۳

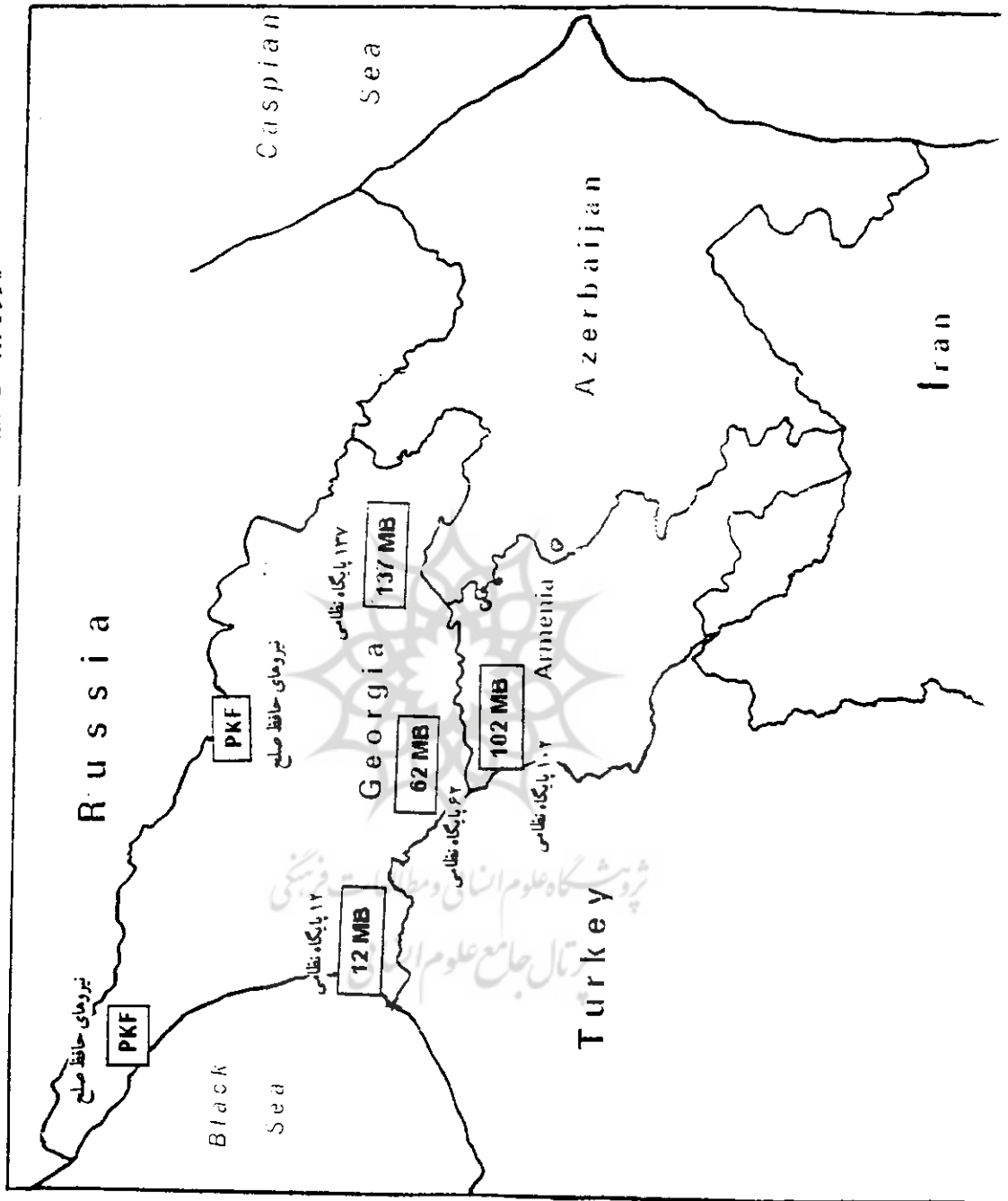


ANNEX D. THE NORTH CAUCASUS MILITARY DISTRICT IN 1990



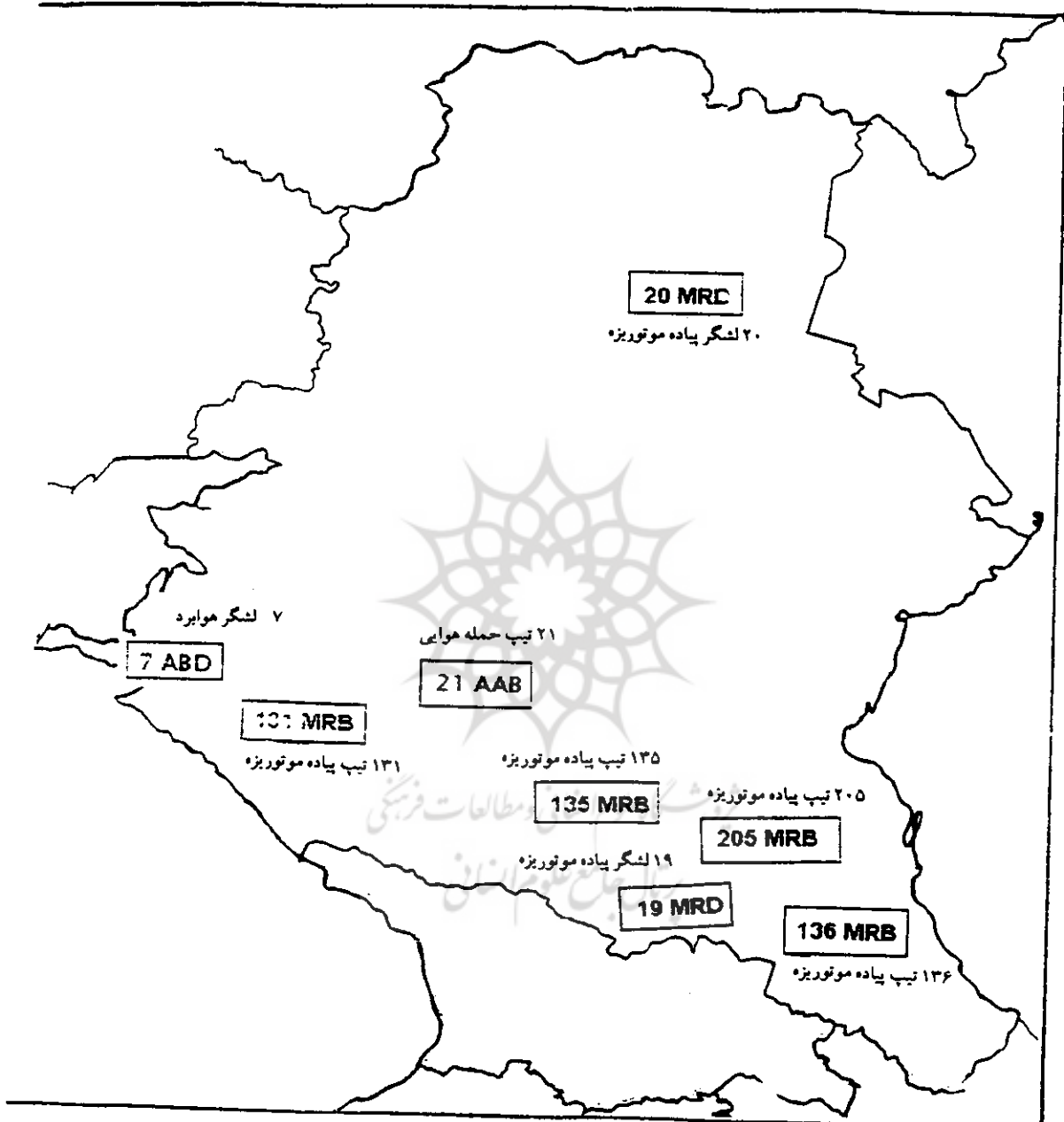
شبهه ۵ گروه نیروهای روسیه در مناطق قفقاز در ۱۹۹۶

ANNEX B. THE GROUP OF RUSSIAN FORCES IN THE TRANS-Caucasus IN 1996





ANNEX F. THE NORTH CAUCASUS MILITARY DISTRICT IN 1996



جدول ذیل توازن متغیر قدرت جنگی میان دو حوزه نظامی را نشان می‌دهد. همچنین اشاره می‌کند که چیزی بیش از یک حرکت ساده تجهیزات یا واحدها از یک حوزه به حوزه‌ای دیگر مطرح است. تجهیزات روسیه در منطقه قفقاز به‌طور برجسته‌ای کمتر از قبل بوده اما افزایش چشمگیری در تجهیزات حوزه نظامی شمال قفقاز وجود ندارد زیرا که قرارداد نیروهای متعارف در اروپا تأثیر عمیقی بر آن داشته است.

قدرت نیروهای زمینی روسیه در حوزه قفقاز

حوزه نظامی جنوبی		حوزه نظامی شمال قفقاز		جنگ افزار
۱۹۹۶	۱۹۹۰	۱۹۹۶	۱۹۹۰	
۱۸۰	۱۵۰۰	۳۰۰	۵۵۰	تانک
۶۵۰	۲۵۰۰	۶۰۰	۲۵۰	نفربرزری
۲۴۰	۱۰۰۰	۵۰۰	۵۰۰	توپخانه
۱۰	۳۰۰	۱۷۰	۰	چرخ‌بال

مسئله نیروهای متعارف در اروپا می‌تواند موضوع کاملاً جدیدی باشد که من اشاره مختصر و ساده‌ای به آن می‌کنم:

الف) بدون شک روسیه در قسمت جنوبی تجهیزاتی بیشتر از حد مجاز دارد. (حتی با تفسیر سخاوتمندانه‌تر از قوانین، این تعداد مازاد، از ۲۰۰۰ مورد تجاوز می‌کند).

ب) نمی‌توان به راحتی دید که چگونه ساختار کنونی نیروها در قسمت جنوبی می‌تواند به خوبی با محدودیتهای قرارداد تجهیز شود.

نتیجه آنکه روسیه محدودیتهای قرارداد را نقض می‌کند اما در همان زمان واحدهای آن در قفقاز دارای کمترین تجهیزات می‌باشند.

### استقرار نیرو در شرق خزر

این مقاله تاکنون استقرار فعلی نیروها را در غرب خزر شرح داده است و این عمدتاً به

دلیل آن است که این نیروها تنها نیروهای زمینی روسیه در منطقه خزر می‌باشند. اما در طرف شرق این دریا نیروهای مسلح مشترک ترکمنستان - روسیه مستقر هستند. این نیروهای زمینی مرکب از دستجات سه‌قسمتی می‌باشند اما تعداد پرسنل آنها حداکثر به ۱۱۰۰۰ نفر می‌رسد. بنابراین تردیدهای بسیاری در مورد کارایی و شایستگی این نیروها وجود دارد. آنها به تازگی مانور بزرگی را شروع کردند و کاملاً روشن نیست که ساختار فرماندهی آن چگونه عمل می‌کند. نمی‌توان از این نگرش پرهیز کرد که حفظ عضویت روسیه در این نیرو (که عمدتاً افسران می‌باشند) راهی برای حفظ حضور آن در منطقه است، بلکه مسئله مهمتر از آن کاهش حجم استقرار مجدد پرسنل نظامی در روسیه بزرگ است.

### عامل کیفیت

ضروری است کیفیت و چگونگی استقرار نیروهای روسی در اطراف خزر علاوه بر ثبت، ارزیابی نیز بشود. مشکلات نیروهای مسلح روسیه به آن اندازه شناخته شده است که مستلزم کار و تمرینهای بسیاری باشد که در اینجا به آنها اشاره می‌شود:

الف) کمبود نیروها: این مسئله در ارتش روسیه کاملاً شایع است اما مشکلات خاصی را نیز برای گروهی از نیروهای روسیه در منطقه قفقاز که دسترسی فوری به سربازان ذخیره در موارد اضطراری ندارند، ایجاد می‌کند؛

ب) کمبود سرمایه: کمبود سرمایه موجب افزایش بدهی‌های عقب‌افتاده شده و مشکلاتی را در تأمین معاش و مسکن مناسب برای سربازان فراهم کرده است. کمبود سرمایه همچنین سازماندهی مؤثر برنامه‌های آموزشی را غیرممکن ساخته است. بررسی دقیق حوزه نظامی شمال قفقاز در پایان ۱۹۹۵، کمبودهای جدی را در استانداردهای آموزشی نشان می‌دهد؛

ج) مشکلات اخلاقی و انضباطی عمومی: این مشکلات بر اعزام به خدمت سربازان و نیز کادر معمول درجه‌داری تأثیر می‌گذارد. کاهش ناگهانی در ویژگی شخصیتی خدمات نظامی در پنج سال گذشته به صورت کمبودهای جدی کادر درجه‌داری و نیز تعداد جوانانی که به صورت قانونی یا غیرقانونی از خدمت نظام سرباز می‌زنند منعکس شده است.

وزارت دفاع روسیه اخیراً سیاست اداره همه نیروها را در مناطق به اصطلاح حساس از طریق قرارداد با نظامیان اعلام داشته است.<sup>(۴)</sup> به کاربردن این سیاست، مشکلات خاصی را برای

فرماندهی منطقه جنوب که حوزه مسئولیت آن، بسیاری از مناطق حساس را شامل می‌شود، پدید آورده است. ارتش روسیه تاکنون در استخدام و نگهداری نظامیان کاملاً حرفه‌ای دچار مشکل بوده است و نمی‌توان پیش‌بینی کرد که تأمین سرمایه‌های لازم، مسکن و نظامیان آموزش دیده قرارداد، به راحتی امکان‌پذیر باشد. این مقاله جنگ چچن را به طور مفصل و مشروح بررسی نمی‌کند اما بی‌کفایتی‌های تاکتیکی در آنجا ضربه شدیدی به اعتبار ارتش روسیه وارد آورده است.

### مأموریتها و توانایی‌های نیروهای روسیه در منطقه خزر

نیروهای مسلح روسیه برای چه در منطقه خزر هستند؟ آیا آنها می‌توانند مأموریت‌های خود را بخوبی به پایان برسانند؟ این مقاله چهار مأموریت اصلی را که احتمالاً برعهده آنها می‌باشد در نظر می‌گیرد.

### نقش دفاعی

دفاع نقش اصلی تمامی نیروهای مسلح است اما مسئله این است که نیروهای روسیه در این منطقه از چه چیزی دفاع می‌کنند؟ شاید بتوان ادعا کرد که آنها از منافع و قلمرو روسیه دفاع می‌کنند. این وظیفه آشکارا، نقشی قانونی و مشروع است. می‌توان به سادگی بحث کرد که چه نیروهایی برای این کار لازم است زیرا معیارهای ارزیابی نیروهای لازم برای دفاع از یک منطقه کاملاً مشخص هستند. برای یک کشور دفاع از منافع خود مشروع است اما ارزیابی نیروی لازم برای آن مشکل است. از نظر دولت و وزارت دفاع مسکو چه الزامات و نیازهایی برای منافع روسیه وجود دارد؟ آیا مثلاً این کافی است که کشورهای شوروی سابق حوزه خزر به طور عملی با روسیه دشمنی نکنند، یا اینکه امنیت روسیه مستلزم آن است که آنها باید به طور مثبت حامی و یا تابع منافع روسیه باشند؟

چنانچه این نقش دفاعی تعریف شده به اجرا درآید، توسعه بیشتر ساختارهای نظامی جامعه مشترک المنافع ضرورت دارد. این تقریباً در بیشترین مناطق تحت فشار از نقطه نظر پدافند هوایی در حال اجرا می‌باشد. اما توسعه جامعه مشترک المنافع به عنوان یک متحد نظامی تاکنون بسیار کند بوده و تأثیر چندانی نداشته است. چه نوع اتحادی اکنون ایجاد می‌شود؟ الگویی که

ستاد کل روسیه اتخاذ کرده است آشکارا همان الگوی قدیمی پیمان ورشو است. انتصاب کمیته‌ها و فرماندهی تحت سیطره روسها است و تأکید بر آن است که دکترین و تجهیزات باید برطبق خطوط روسیه استاندارد شود. تعجب‌آور نیست که کشورهای غیرروس نسبت به این الگو تمایل خاصی ندارند.

صحبتهای پیشین، تغییر در سیاست روسیه به سوی اکتشاف منابع نفت در منطقه را همراه با حرکت به سوی تشریک مساعی روسیه در اقدامات مشترک مطرح می‌کند. چنین تغییری در حوزه نظامی نیز ضروری است. پس از فروپاشی ناگهانی اتحادشوروی، ستاد کل ارتش روسیه می‌کوشید تا استراتژی خود را بر مبنای شعار معروف جنگ مشهور استالین (حتی یک قدم عقب‌نشینی هم نه) قرار دهد و تا آنجا که می‌تواند همان سیستم دفاعی قدیم شوروی را حفظ کند. هیچ تجدید تفکر اساسی در مورد سیاستهای امنیتی وجود نداشته و هدف بهره‌برداری از منطقه خزر تنها به دلیل منافع استراتژیک روسیه بود. تا زمانی که روسیه درک نکرده است که می‌توان یک اتحاد نظامی را بر مبنای تساوی بیشتر ایجاد کرد، نمی‌تواند همکاری لازم را در هیچ مورد به دست آورد.

### اعمال قدرت

مشکلاتی که روسیه اکنون برای اعمال قدرت خود در درون مرزهای خود در قفقاز تجربه می‌کند مسئله اعمال قدرت بیشتر در اطراف خزر را نیز دربر می‌گیرد. شاید در این راستا تلاشی صورت گیرد اما دستیابی به هدف مشکل است.

### حفظ صلح

اکنون نیروهای روسیه درگیر عملیات حمایت از صلح در این منطقه می‌باشند و تعهدات بیشتر در قره‌باغ کوهستانی مورد بحث قرار گرفته است. علی‌رغم تردیدها در مورد مهارتها و تأثیر این نیروها از نظر استانداردهای بین‌المللی، مناقشات اوستیا و آبخازیا نیز در نظر گرفته شده و تا حدودی آرامش برقرار شده است. اما نیروی حافظ صلح روسیه به‌طور کلی از مشکلات جدی طولانی شدن مناقشات رنج می‌برد زیرا قسمتی از نیروهای تحت امر آن به‌چنین انتقال یافتند. حفظ تعهدات کنونی برای ارتش روسیه کارآسانی نیست و با چنین وضعی صحبت از تعهدات جدید غیرممکن است.

## ایجاد اختلاف

این اصطلاح زمانی به کار می‌رود که ارتش روسیه در «خارج نزدیک» تنشها و بی‌ثباتی‌هایی را موجب می‌شود که تنها به منظور حفظ حضور روسیه در منطقه می‌باشد. خارج از منطقه خزر، رفتار ارتش چهاردهم در مولداوی نمونه‌ای از چنین ایجاد اختلافی است و به اعتقاد برخی ناظرین خارجی ارتش روسیه در درون منطقه به ادامه مناقشه آبخازیا کمک کرده است.

در خصوص آرایش قشون و نحوه استقرار و نیروهای مسلح روسیه در اطراف خزر می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که متأسفانه این کار در حوزه توانایی آنها ولی خارج از بحث این مقاله است.

## یادداشتها

۱. افکار و عقاید ابراز شده در این مقاله صرفاً متعلق به نویسنده بوده و به هیچ وجه نظرات دولت و وزارت دفاع بریتانیا نمی‌باشد.
۲. رجوع کنید به بخش اخبار جهانی BBC، 2/1/2011 SU / 2601 مورخ ۲ مه ۱۹۹۶، مصاحبه با گراچوف.
۳. همان منبع.
۴. ژنرال ژربنسوف «تنها نظامیان قراردادی به خدمت در چین اعزام می‌شوند» Krasnaya Zvezda، ۱۶ آوریل ۱۹۹۶، ص ۱.